



استاد شهریار و انقلاب اسلامی ایران

محمد طاهری خسروشاهی^۱

استاد سید محمد حسین شهریار، یکی از کهن سرایان نامی و پر آوازه شعر معاصر ایران است که چندین دهه پس از افول درخشش غزل فارسی، جانی دوباره به کالبد شعر ایران دمید؛ کسی که نفس گیرای حافظ شیرازی را از ورای قرن‌ها در کلمات جادویی خود زنده کرد و نه تنها در این راستا قلمروهای کشف نشده زبان شکرین فارسی را به تسخیر قلم در آورد، بلکه با اعجاز زبان مادری در منظومه حیدر بابا، شگفتی‌ها و شیرینی‌های از یادرفته را بر کام و جان هم‌زبانان خویش ریخت. شهریار، «این تُرک پارسی گوی»^۲ همانند بسیاری از شاعران، در عمر خود ناهمواری‌ها را طی کرد و شعرش نیز بنا به تحول و تغییر حادثه‌های زندگانی‌اش، ادوار مختلفی را تجربه کرد.

آنچه در یک نگاه از تورق دیوان شهریار در دل و جان خواننده به دست می‌آید، غزل‌واره‌های سهل و ممتنع اما زلال و روان شاعر است که حاصل عشقی سرکش و ناکام می‌باشد که از او آن جوانی دام‌نگیر روح خام عاشقی دلشکسته می‌شود و رفته‌رفته، دم شعرهایش را آتشین‌تر می‌کند. با این همه شگفت اینجاست که امواج سرکش این عشق به وصال نرسیده، نه تنها شهریار را به ورطه نومیدی و دل‌شستن از زندگانی نمی‌کشاند،

۱. محقق و پژوهشگر حوزه ادبیات انقلاب اسلامی، دانشگاه تبریز
۲. نام کتابی از مرحوم حسین منزوی درباره بررسی و تحلیل شعر شهریار.



بلکه از صورت به معنا می‌رود و در واقع از رهگذر این عشق، گوهرهای نابی در جان او تالگو می‌یابد و روزنی از نور و معرفت برای وصال حضرت ابدی بر رویش گشوده می‌شود؛ شاعر خام و دلشکسته به پختگی می‌رسد و روحش صیقل می‌خورد. این دوران آغاز گشایش روزنه تازه‌ای در برابر شهریار است. در این مرحله، آنچه شاعر در می‌یابد، طریقه رسیدن به معرفت و حقیقتی است که به واسطه ذوق و اشراق و شهود و نه تعقل و فکر عارضش می‌گردد. خود در این زمینه می‌گوید: «اگر چه یاد آن عشق [مجازی] با من بود، اما دیگر آن عشق نبود چیز دیگری شده بود؛ عشق الهی. شاعر عرفانی می‌بایست الهام داشته باشد و الهام تشعشعی از نور الهی است چیزی مثل وحی.»^۱ جذب این نور الهی جان و تن شهریار را می‌لرزاند و به شوق مراد آسمانی‌اش سر به سجاده معرفت و عرفان خدایی می‌زند، تا آنجا که از ارواح مقدس مدد می‌یابد.

نویسندگان و محققان تاکنون در شرح احوال این شاعر شیدا کتاب‌ها و مقالات زیادی نوشته‌اند اما آنچه نگارنده را بر آن داشت تا قلم در وادی شعر شهریار بگرداند، وجود گوهر گران و دُر پنهان شده نایابی است که تماشاگران شهر شعر شهریار، کمتر در ارزش و خاصیت گرانسنگی آن قلم زده‌اند. این گنجینه پر بها، وقف هنرمندانه واژگان جادویی شهریار به انقلاب اسلامی و آرمان‌های جاودانه و میراث عظیم امام خمینی (س) است. گوهر تابنده انقلاب اسلامی که از خون‌های پاک جوانان وطن به ثمر رسیده بود، در دهه پایانی عمر شهریار، روح تازه‌ای به اشعار این پیر تجربه‌دیده روزهای تلخ و گزنده در دوران پهلوی بخشید و باعث شد آخرین سلطان غزل فارسی خود و هنرش را در خدمت انقلاب بگذارد و به مردمی که جان در گرو این خیزش عظیم نهاده بودند، پاسخ مثبت بدهد. اگر در این راستا با تأمل و نیک‌بینی نگاهی دوباره به اشعار انقلابی این «پیر پس از قبیله مانده»^۲ داشته باشیم، باید گفت شهریار در دوران نوپایی نهال نورسته انقلاب، بسان باغبانی وفادار نقشی مؤثر در نگرهبانی از این درخت تازه به ثمر رسیده ایفا کرد. شهریار اگر چه قبل از انقلاب به لحاظ قوت بیان و روانی شعر، محبوبیت خاصی در بین مردم داشت، اما محبوبیت اصلی و مقبولیت او در اذهان مردم ایران، مدیون همین همراهی‌های خالصانه و بی‌شائبه او با انقلاب اسلامی است که به روشنگری و ظرافت در اشعارش نمود یافته است.

شهریار در برهه‌ای از آغازین روزهای انقلاب اسلامی زبان به مدح و ستایش آرمان‌های

۱. جمشید علی‌زاده، گفت‌وگو با شهریار، تهران، نگاه، ۱۳۷۷، ص ۱۷۷.

۲. عنوان کتابی از شهریار شناس معاصر؛ استاد جمشید علیزاده.



اسلامی مردم و رهبر عظیم‌الشان انقلاب گشود که هنوز نمایه‌های نقاق و نامردی از سوی هواداران گروهک‌های ضدانقلاب در گوشه و کنار وطن دیده می‌شد و غرض‌ورزان درون‌وطنی و برون‌وطنی در پی ملعبه‌سازی و بدنامی شهریاران وطن نقشه‌ها داشتند تا از آب گل‌آلود آن روزهای خون و آتش، طعمه‌هایی سازگار با مذاق خود و اربابان‌شان صید کنند تا شاید به خیال ابلهانه، دریای شگفت‌ادبیات نوپای انقلاب و مقاومت را که در حال فواره زدن بود، بخشکانند و به سراب نشستن آرمان‌هایش را به تماشا بنشینند.

در این میان شهریار به لحاظ مقبولیت و محبوبیت زیادی که در بین مردم و به‌ویژه خواص هنرمندان داشت، بیشتر مورد توجه بدخواهان انقلاب بود، به گونه‌ای که از هر راهی برای شکستن عقاید دینی و انقلابی او بهره می‌بردند، اما به هیچ حال نمی‌توانستند از نزول واژگان روحانی و انقلابی بر جان و دل شهریار جلوگیری کنند.^۱ شهریار اگر چه از هجمه تند و گزنده این گروه، تلخی‌ها دید و شنید اما دم بر نیاورد و بدنامی در محضر عده‌ای قلیل تنگ‌نظر را به خوشنامی در مقابل جمعیت کثیر انقلابی ترجیح داد و بر ایشان تأسف خورد و گفت:

انقلاب ملت، اسلامی است اما خائنین سد راهش با اراجیف و رجز خوانی هنوز مقام معظم رهبری در خصوص این فراز از حیات ادبی شهریار که وی آماج اتهام بود می‌گویند:

در همان اوقاتی که شهریار برای انقلاب می‌سرود، یک عده از روشنفکرهای وابسته به رژیم گذشته که با شهریار سابقه دوستی داشتند، مرتب روی او فشار می‌آوردند، برایش کاغذ می‌نوشتند، در هجوش شعر می‌گفتند، حتی می‌رفتند و او را ملامت می‌کردند که تو چرا برای انقلاب این‌طور دل می‌سوزانی؟ البته او مثل کوه ایستاده بود. من حقیقتاً تعجب می‌کردم. بعضی از کسانی که بر او فشار می‌آوردند من خودم از نزدیک می‌شناختم. بعضی‌شان وابسته به رژیم شاه بودند، بعضی‌شان توده‌ای بودند... شهریار هم محکم و قرص ایستاده بود.^۲

اگرچه ایستادگی و مقاومت شهریار در واپسین روزهای سلامت و نشاط شاعر بر سر آرمان‌های انقلابی مردم ایران، برای همه شگفت و زیبا بود اما مغرضان به‌ظاهر رفیق شهریار، از بارش مکرر شعرهای انقلابی او واهمه داشتند چون به چشم و گوش خود

۱. درباره تلاش‌های این گروه از شاعران و هنرمندان چپگرا رک: مقاله نگارنده با عنوان «شاعری در هجوم چپگرایان»، نشریه آذرپیام، (چاپ تبریز).

۲. گزیده بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با برگزارکنندگان کنگره بزرگداشت شهریار، ۱۳۷۱/۹/۱۱.

می‌دیدند و می‌شنیدند که چگونه پیشکسوتان شعر و ادب و خیل شاعران جوان به استقبال این شاعر بزرگ ادبیات پایداری و جهاد انقلابی رفته‌اند و با تأسی به تحول اندیشه‌ها و الهامات معنوی او شعر می‌سرایند. در واقع شهریار در پیوند شاعران جوان با جریان انقلاب نقش مهمی ایفا کرده است.

البته از خالق شعر نغز «علی‌ای همای رحمت» جز این نمی‌توان انتظار داشت، چه او از دوران کودکی با قرآن مأنوس بوده^۱ و مراتب محبت و تواضع خود را به ائمه معصومین که خود نمونه روشن صبح شهادت و پایداری‌اند، اظهار کرده است.^۲ در واقع برخوردار بودن از روحیه دینی باعث می‌شود که او بعدها با وقوع انقلاب اسلامی هیچ‌گاه از جهاد قلمی باز نماند و حتی در جهاد مالی نیز در حد توان شرکت کند.

باید گفت بارش درونی شعرهای انقلابی شهریار زاینده فطرتی نورانی و الهی بود. شهریار جز رضای حق انتظاری نداشت، چراکه شاعری چون او که در اوج محبوبیت و شهرت و نام‌نداشت تا با این بهانه به خود جلوه‌ای نو بدهد. در آشفته‌بازار آن روزها، آن قدر دل‌های چرکین و واخورده از انقلاب وجود داشت که حاضر بودند با صرف همه مال و منال، امثال شهریار را از حمایت از انقلاب منصرف کنند اما شهریار نخواست، یعنی فطرت درونی و نور ایمانی که از کودکی با جانش آمیخته بود، نگذاشت تا خود را گم کند و هنرش بی‌نصیب از جلوه‌های متعالی انقلاب بماند.

نمی‌رسد هنر منحرف به الهامی که ادعا بکنی حق انقلاب اداست

خالق زمزمه‌های باصفای حیدرآباد، از آغازین روزهای پیروزی انقلاب تا واپسین لحظات عمر در سال ۱۳۶۷، بارها عشق و شادمانی خویش را از پیروزی انقلاب اسلامی با سرودن شعرهای تر و باطراوت ابراز کرد و انقلاب را نوروزی مبارک برای خود می‌خواند تا آنجا که گفته است: «من ده سال آخر عمرم زنده شدم».^۳ شهریار در اولین قصیده‌ای که برای انقلاب سروده است چنین می‌گوید:

نوروز انقلاب^۴

مژده‌ای دل که تو را یار خریدار آمد دل به دلخواه تو و بخت تو را یار آمد
غرفه حسن چراغان کن و نازی بفروش کز تو هم مشتری عشق به بازار آمد
کارگل، زار نخواهد شدن از زاغ که دوش بلبل آهنگ غزل کرد و به گلزار آمد

۱. احمد کاویان‌پور، زندگانی ادبی و اجتماعی شهریار، تهران، اقبال، ۱۳۸۷، ص ۲۳.

۲. حسین منزوی، این ترک پارسی گوی، تهران، برگ، ۱۳۷۲، ص ۱۹۳.

۳. اصغر فردی، شهریار و انقلاب اسلامی، تهران، الهدی، ۱۳۷۲، مقدمه.

۴. محمدحسین شهریار، دیوان اشعار، تهران، زرین‌نگاه، ۱۳۷۸، ص ۴۷۸.

ماردوشان دی آسیمه سر و پا به فرار
 رفت ضحاک عداوت به کنار از سر کار
 تا فریدون عدالت به سر کار آمد
 نوبت یاری و غمخواری احرا آمد
 استاد شه‌ریار با طلوع فجر انقلاب سبکبار تر از همیشه و با روحی متعالی تر، شعر می‌گفت و این بار نه تنها واژگانش مرهم دل هجران کشیده‌های زمینی بود، بلکه آرامش بخش جان مادران هجران کشیده از فراق فرزند شهید بود و این موهبت را خود شه‌ریار نیک می‌دانست و می‌گفت: «حضرت حق با اتصال زندگی من به انقلاب اسلامی حرمان یک عمر مرا جبران کرد.»^۱

شه‌ریار و ارادت به بنیانگذار جمهوری اسلامی

استاد شه‌ریار به معنای واقعی کلمه دل‌داده بنیانگذار انقلاب، حضرت امام خمینی (س) بود. بازتاب این عشق و ارادت از همان نخستین ساعات ورود امام به خاک میهن در ۱۲ بهمن ۵۷ در سروده‌های شاعر هویدا بود. استاد در غزلی که به مناسبت بازگشت امام به وطن سروده نشان می‌دهد که دلش سرشار از عشق به امام و انقلاب است:

باز گشت امام خمینی از تبعید...^۲

دلی دارم چو برگ گل که از آهی به درد آید
 فضای آفرینش با تو دریایی است بی پایان
 چه نیکوستنی تجلیل جمهوری اسلامی
 خدا پس داده در روزی چنین با ما امام ما
 بهاری سبز داری چون جوانی قدر اگر دانی
 جهان از ناجوانمردان نگهدار همه جانب
 شه‌ریار در غزل «دهه فجر» که در بهمن ۱۳۶۵ سروده شده است با اشاره به ورود امام به ایران، با انتخاب ردیف «باز می‌گردد» همین معانی بکر انقلابی را با تعبیر لطیف و دلکش ادبی پیوند می‌زند و با به‌کارگیری بن‌مایه‌های اساطیری در قالب غزل، شعرش را دلنشین‌تر می‌نماید:

ولیکن درد عشقش هم همه با آه سرد آید
 تو در بادل نهنگی باش گو در یانور آید
 که چون نوروز هر سالش نو آیین سالگرد آید
 که شمع جمع ما و رهبر هر فرد فرد آید
 که پیری هست و از در چون خزان زار و زرد آید
 کجا نامرد را دیدی که جانبدار مرد آید

دلی دارم چو برگ گل که از آهی به درد آید
 فضای آفرینش با تو دریایی است بی پایان
 چه نیکوستنی تجلیل جمهوری اسلامی
 خدا پس داده در روزی چنین با ما امام ما
 بهاری سبز داری چون جوانی قدر اگر دانی
 جهان از ناجوانمردان نگهدار همه جانب

۱. اصغر فردی، همان، ص ۵.

۲. محمدحسین شه‌ریار، همان، ص ۵۲۳.



دهه فجر^۱

دمید فجر که خورشید باز می‌گردد
 درفش فتح و ظفر با سپاهیان خداست
 نگین ملک سلیمان ستانده‌ایم از دیو
 نگین گمشده اینک حکومت اسلام
 بلی امام خمینی کنون توانی گفت
 در استقامت راه خدا مکن تردید
 دگر حکومت شیطان نمی‌شود تأیید
 سر سیاه زمستان تو شهریار ببین
 در شعرهای انقلابی شهریار نام و یاد حضرت امام جلوه‌ای پررنگ دارد؛ گویی شهریار
 پیروزی انقلاب را هرمدیف با نام حضرت امام و ایشان را جزء لاینفک نهضت و وارث
 ولایت حضرت بقیه‌الله می‌داند. شهریار در غزلی با اشاره به پیروزی انقلاب می‌سراید:

خمینی بت‌شکن...^۲

آبی که کشور مادر میان گرفت
 بنشان غبار فتنه که این کوهسار عشق
 با شهسوار توسن خورشید، هم‌کاب
 این رهبر کبیر، خمینی بت‌شکن
 سر پنجه ولی‌ست کزین آستین برون
 مردم به صحنه محکم و بیهوده خار و خس
 روز خدا که پنجه مستضعفان به قهر
 شهریار در غزل «خط امام»، رهبر فقید انقلاب را محور نهضت مردم و ایشان را
 برپادارنده نخل اسلام می‌داند:

خط امام^۳

دل که خط امام دلبر اوست
 چه امامی که مؤمن و کافر
 آری آفاق را به پشت دوتا
 چرخ هر انقلاب اسلامی
 تاج هر افتخار بر سر اوست
 سر فروداشته به محضر اوست
 سر تعظیم در برابر اوست
 از امام و امام محور اوست

۱. همان، ص ۵۰۳.

۲. همان، ص ۴۸۴.

۳. همان، ص ۴۷۱.

نخل اسلام از اوست شیرین کام
نور چشمان او یتیمان اند
او به یک چشم بیند انسان‌ها
چه امامی که پرچم اسلام
چه امامی که نعره تکبیر
خطبه‌های نماز جمعه او
هر کجا سنگری است مسجد او
گر بخواهد جهان به یک فرمان

کز رطب‌های تازه و تر اوست
صدفش چشم و اشک، گوهر اوست
همه کس خواهر و برادر اوست
بر سر لشکر و مدور اوست
برق شمشیر و کوس لشکر اوست
غرش توپ و تانک و اژدر اوست
هر کجا مسجدی است سنگر اوست
لشکر خود کند میسر اوست

شاعر بزرگ معاصر در شعری که به نام «هفته دولت» در دیوان او منتشر شده است، امام خمینی را بر پادارنده عدالت و احیاگر حکومت حضرت محمد(ص) می‌خواند. او معتقد است که کلید نجات مستضعفان به دست امام امت است:

هفته دولت^۱

کنون که رحمت اسلام و رهبری است کبیر
چه رهبر و چه جمال نبوتی باوی
به دست اوست کلید نجات مستضعف
حکومتی که الهی و مردمی باشد
حضور ملت ایران به صحنه خود، سری است
خدا صفوف ملائک فرستد و خواهد
تمام ملت ایران سپاه اسلام‌اند
حکومتی است همه مردمی و با خود خلق
ارادت و شیفتگی شهریار به برپاکننده حکومت اسلامی در دوران معاصر حضرت امام خمینی(س)، زبانی صیقل خورده و روان به اشعار انقلابی او بخشیده است. این حس همواره متعالی به بهترین واژگان در شعر «مقام رهبری» نمود یافته است:

عطار د است و حقایق به نوک کلک دبیر
که خواب حضرت یوسف ز نو شود تعبیر
که بشکند در زندان و بگسلد زنجیر
کجا به کید شیاطین بود شکست‌پذیر
که با زبان و قلم نیست قدرت تقریر
که رعب با دل کافر کند گریبانگیر
سپاه سینه سپر کرده با تهاجم تیر
نه احتیاج به زور و نه حاجت تزویر
ارادت و شیفتگی شهریار به برپاکننده حکومت اسلامی در دوران معاصر حضرت امام خمینی(س)، زبانی صیقل خورده و روان به اشعار انقلابی او بخشیده است. این حس همواره متعالی به بهترین واژگان در شعر «مقام رهبری» نمود یافته است:

مقام رهبری^۲

تو آن سروی که چون سر بر کنی سرها بیارایی
به نقاش ازل مانسی که با نقش جهان آرا
نه هر کو کاروان راند رموز رهبری داند
بدین سوق شهادت‌ها چه بیم از لشکر کافر
و گر سرور شدی آیین سرورها بیارایی
چمن‌ها با گل و سرو و صنوبرها بیارایی
تو روح‌الله رهی داری که سرها را بیارایی
که هر آنی تو آن دانی که شکرها بیارایی

۱. همان، ص ۵۱۲.

۲. همان، ص ۵۳۴.





به فرمان تو پاکان با لقاء الله پیوستند چه رنگین حجله‌ها کز سنگ و سنگرها بیارایی
 به روزن‌های چشم و دل همه نور جمال توست به هر روزن تو منظوری و منظرها بیارایی
 تو بودی «آفتاب از مغرب» آن کو در حدیث آمد به کشورها گذر کردی که کشورها بیارایی
 اگر خاور به خورشیدی درخشان می‌کند آفاق تو آن خورشیدرخشانی که خاورها بیارایی
 تو هم خود شهریارا گوهر آرای و گوهر سنج به هر گنجت گذار افتاد، گوهرها بیارایی
 «انتخابات خبرگان» یکی از غزلیات خوش ترکیب در میان اشعار انقلابی شهریار است.
 استاد در این غزل با اشاره به مشارکت مردم ایران در انتخابات مجلس خبرگان رهبری،
 به ضرورت انتخاب افراد اصلح تأکید می‌نماید و اصرار دارد کسانی که ملتزم واقعی به
 دین اسلام و ولایت فقیه هستند باید انتخاب شوند. وی در این غزل نتیجه می‌گیرد که
 در جمهوری اسلامی، حتی انتخاب رهبر نیز با رأی مردم انجام می‌پذیرد.

انتخابات خبرگان^۱

شکر نعمت کن که مردم شکر نعمت می‌کنند اکثریت در امور خیر همت می‌کنند
 عالمی صالح در آمد عالمی اصلاح کرد فاسدان دارند کم کم رفع زحمت می‌کنند
 نوجوانانی که بودند از ره دین منحرف با حریم دین خود احساس حرمت می‌کنند
 امت اسلامی و امر و ولایت با فقیه انتخاب رهبری را نیز امت می‌کنند
 شهریار! از مذمت در گذر بانادمین کز ندامت نفس خود را، خود مذمت می‌کنند
 شهریار در شعر دیگری نیز در تشریح اندیشه ولایت فقیه، تشریف ولایت را بر بالای
 رهبر کبیر انقلاب زینده می‌بیند و می‌گوید:

غیر ولایت چه جانشین ولایت تالی والشمس بین که والقمر آید^۲
 در همین معنی ولایت فقیه، در شعر «سرود اسلام» که یکی از قطعات پراهمیت در
 دیوان شهریار است می‌خوانیم:

سرود اسلام^۳

صلای انقلاب و دادخواهی است خراش سینه از مستضعفان است
 خروش از حلق و حلقوم شهیدان نوای نای دل‌های شکسته است
 بیا سوت‌ده‌دلان گرد هم آییم
 مده دامان روحانیت از دست چو طوفانی خروشان در هم آییم
 بنای ظلم و استکبار عالم خدا از بیخ و بن خواهد برافکند

۱. اصغر فردی، همان، ص ۸۵.

۲. همان، ص ۹.

۳. محمدحسین شهریار، همان، ص ۵۲۷.

که میراث زمین باصالحان است

نبوت با امامت نور واحد
رسالت بی ولایت ناتمام است
ولایت هم به فرمان الهی
در این ایام غیبت با فقیه است
فقیهان وارثان انبیایند

بیوک نیکاندیش مؤلف کتاب مهم در خلوت شهریار که روایتگر زوایای نهان حیات شخصی و ادبی شهریار است می نویسد:

روزی که انقلاب پیروز شد... استاد چنان به شور و شوق و شغف در آمدند که اگر بگویم در همه مدت دوستی ام، ایشان را چنان خوشحال ندیده بودم خطا نرفته ام... زمانی که جمهوری اسلامی پایه هایش را استوار کرد از طرف صداوسیما برای مصاحبه با شهریار آمدند. درست یادم هست که اولین کلام ایشان این بود: زودتر از این می آمدید، من خیلی وقت است که انتظار شما را می کشم.^۱

استاد نیکاندیش چنین ادامه می دهد:

ایشان (شهریار) واقعاً امام خمینی را ناجی این ملت می دانست و بسیار خوشحال بود که بالاخره این ملت روی رستگاری و آزادی را خواهد دید. با اینکه پیر و ضعیف شده بود اما به عشق این انقلاب در اتاق را می بست و هیچ کس را به اتاق راه نمی داد و با حالتی عجیب که در چهره اش نمایان بود به سرودن شعر می پرداخت.^۲

مرادوات عاطفی و ادبی شهریار و مقام معظم رهبری

شهریار افزون بر اظهار محبت و ارادت به بنیانگذار کبیر انقلاب حضرت امام (س) به دیگر بزرگان صاحب نام و چهره های شاخص و برجسته انقلاب نیز عشق می ورزید. در این میان ارادت و دلدادگی شهریار به مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای که در آن زمان ریاست جمهوری نظام را بر عهده داشتند، جایگاه ویژه و برجسته ای دارد. نکته مهم در این دلدادگی و عشق، دوسویه بودن آن است؛ مقام معظم رهبری نیز دارای چنان ارادت بی به شهریار ملک سخن هستند که در اغلب محافل شعری از او یاد می کنند و نامش را بلند می دارند. ارادت دیرین مقام معظم رهبری به استاد شهریار از واژگان جانانه معظم له در پیام تسلیت به مناسبت هفتمین روز درگذشت شاعر که در تاریخ ۶۷/۷/۳

۱. بیوک نیکاندیش، در خلوت شهریار، تبریز، آذران، ۱۳۷۷، ص ۳۰۹.

۲. همان، ص ۳۱۰.





صادر و توسط دکتر حداد عادل قرائت شد، به خوبی هویداست:

این مرد بزرگ و این شاعر کهن با دلی جوان و لبالب از شوق و احساس و با درک و وظیفه بزرگ شاعر دوران انقلاب، همه سرمایه عظیم ذوق و هنر خود را در خدمت هدف و راهی گذاشت که کشور او و مردم او برگزیده و برای آن تن به فداکاری داده بودند. او انقلاب را و جهاد و شهادت را در شعر روان و روشن خود سرود و برترین مضمون دوران عمر با برکت خود را در بخش پایانی شعر ماندگار خویش گنجانید... او عاشق قرآن بود و قرآن مجسم و زنده را در انقلاب اسلامی و نظام اسلامی مشاهده می کرد، از آن رو خود را در خدمت انقلاب خواست و گذاشت و به مردمی که جان در گرو آن نهاده بودند پاسخ مثبت داد... در خشان ترین هنر شهریار آن است که وظیفه تاریخی خود را شناخت و با همه و جد و به کمال خلوص به آن عمل کرد... تجلیل شایسته مردم از او تجلیل از هنر آمیخته به ایمان و اخلاص است و این برای هر هنرمند مردمی، پاداشی بزرگ است و پاداش خدا بسی بزرگ تر و پایدارتر است.^۱

شهریار نیز تا بود از نوازش ها و دیدارهای صمیمانه با حضرت آیت الله خامنه ای خوش بود و دل به صدای هنرمندنواز ایشان داشت و بارها در اشتیاق گفت و گو با ایشان بود شب مصاحبت را غنیمت می دانست و می گفت: «اگر ملاحظه حال آن لطیف نبود، دل به معاشقه و مشاعره با وی پر می زد که صحبت به صبح کشیم.»^۲

حضرت آیت الله خامنه ای شهریار را بلبل داستانسرای غزل فارسی می دانست و می فرمود: «شاعر متواضعی بود و دنبال نام و نشان نبود و برای خدا و برای وظیفه کار می کرد.»^۳ شهریار به اذعان رهبر معظم انقلاب که خود گنج شناس شعرهای ناب می باشند، آن قدر روحیه دینی و شیفتگی خاصی به طلوع فجر انقلاب داشت که «همه جزییات را تعقیب و در همه مواقع حساس انقلاب، نقش مؤثری ایفا می کرد.»^۴

مقام معظم رهبری در کنگره بزرگداشت شهریار (آذرماه ۱۳۷۱) با اشاره به تحول فکری در حیات ادبی و معنوی شهریار می فرمایند:

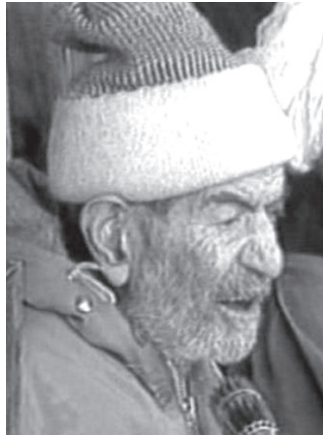
شهریار در یک دوران مهمی از زندگی اش در حدود شاید سی سال آخر

۱. اصغر فردی، همان، ص ۱۵.

۲. همان، ص ۱۰.

۳. همان، ص ۱۳.

۴. گزیده بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با برگزار کنندگان کنگره بزرگداشت شهریار، ۱۳۷۱/۹/۱۱.



زندگی اش یک دوران عرفانی و معنوی بسیار زیبایی را گذراند... تا وقتی که انقلاب پیروز شد او با همان روحیه دینی و ذهنیت صاف و روشن خودش از انقلاب استقبال بسیار خوبی کرد. شاید در آن یکی، دو ساله اول انقلاب، کسی از ماها به یاد شهریار نبودیم. گرفتاری ها به قدری زیاد بود که انسان به یاد شهریار نمی افتاد. یک وقت دیدیم که صدای شهریار از تبریز بلند شد؛ در ستایش انقلاب.^۱

از جمله تصویرهای مخیل و زیبا در بیان ارادت شهریار به سید ادیب و فرزانه انقلاب، حضرت آیت الله خامنه ای تمثیل هنرمندانه شاعر از نماز ایشان است:

رکوع خامنه ای...^۲

انقلاب من از تو اسلامی است	چشم امید و چراغ نوید
در رکوع و سجود خامنه ای	خاصه وقت قنوت او کز غیب
او به یک دست و من هزاران دست	عرشیان می کشند صف به نماز
من برونی نیم خدانداند	شهریارم لسان هاتف غیب

شهریار در غزل «شهید زنده» که آن را در تاریخ ۲۷ فروردین ۱۳۶۳ تقدیم مقام معظم رهبری کرده است، شعری سرشار از لطایف ادبی و تعبیرات شاعرانه و پراحساس می سراید و در آن اوج ارادت خود را به حضرت آیت الله خامنه ای نشان می دهد:

شهید زنده^۳

جهاد عشق تو پیروزی است پایانش	که سایه پرور سیمرغ پرور دستانش
تهمتنی چو تو از هفت خوان نیندیشد	نهنگ عشق چه بیم از نهیب طوفانش
شهادت تو به قانون شمع و پروانه است	که بالمشاهده جان می رسد به دامانش

۱. محمد تقی سبکدل، هویت ملی در شعر شهریار، تبریز، ندای شمس، ۱۳۸۸، مقدمه.

۲. محمد حسین شهریار، همان، ص ۴۸۶.

۳. همان، ص ۵۰۲.



مقام نخل شهادت به سدره و طوباست سعادت است که دستی رسد به دامانش
 شهید زنده ما خود رئیس جمهوری است که دست داده به قرآن که جان به قربانش
 تو شهریار همه ناتوان مبین خود را که ناتوانی ما هم خداست تاوانش
 شهریار در غزل هفته دولت پس از تجلیل از مقام شامخ بنیانگذار جمهوری اسلامی
 در قالبی دیگر ارادت خود به شهید زنده انقلاب را که آن زمان ردای ریاست جمهوری بر
 تن داشت، نشان می‌دهد:

حکومت مردمی^۱

شهید زنده ما خود رئیس جمهوری است که چون وصی رسولش بود جمال غدیر
 به قد اوست قبای ریاست جمهور که خلعتی است الهی و نیستش تغییر
 حکومتی است همه مردمی و از خود خلق نه احتیاج به زور و نه حاجت تزویر
 استاد شهریار به تاریخ ۱۷ مرداد ۱۳۶۶ (در هشتاد سالگی) یک نسخه از منظومه کم‌نظیر
 حیدر بابا را تقدیم حضرت آیت‌الله خامنه‌ای می‌نماید. استاد در دیباچه این کتاب که
 دستخط آن ضمیمه مقاله است، چنین می‌سراید:

خامنه‌ای؛ عیان هنر...^۲

رشگم آید که تو حیدر بابا بوسی آن دست که خود دست خداست
 راستان دست چپ از وی بوسند که خدا بوسد از او دست راست
 در امامت به نماز جمعه صد هزارش به خدا دست دعاست
 من بیان هنرم یک دل و بس او عیان هنر از سر تا پاست
 او شب و روز برای اسلام پای پویا و زبان گویاست
 او چه بازوی قوی و محکم با امامی که ره و رهبر ماست
 شهریار! سری افراز به عرش کاو نگاهیش به حیدر باباست
 سخن در باب مرادوات ادبی شهریار و مقام معظم رهبری را با نقل فرازهایی از خاطرات
 مؤلف کتاب در خلوت شهریار به پایان می‌بریم:

زمانی که (با استاد شهریار) در خصوص حضرت آیت‌الله خامنه‌ای سخن به
 میان می‌آمد، اولین حرف ایشان این بود که معظم‌له هم سخن‌شناس و هم
 سخنور می‌باشند و کاملاً به زبان عربی و ادبیات احاطه دارند... زمانی که
 حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به تبریز تشریف‌فرما شدند (۱۳۶۶/۴/۲۹) اولین

۱. همان، ص ۵۱۲.

۲. «شهریار از نگاه رهبر»، بولتن اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی، ۱۳۷۲.

ملاقاتشان با استاد شهریار بود. من در آن ملاقات بودم. سیمای هر دو بزرگوار نشان می‌داد که علاقه زیادی به هم دارند.^۱

این رابطه دوستانه تا پایان حیات استاد ادامه داشت. مؤلف کتاب در خلوت شهریار با نقل خاطراتی از آخرین روزهای عمر استاد می‌گوید:

هنگام بستری شدن استاد در بیمارستان امام خمینی تبریز، ایشان (مقام معظم رهبری) سه بار تلفن کردند- که بنده گوشی را برداشتم- جویای حال استاد بودند. معلوم بود که سخت نگران حال استاد می‌باشند... وقتی حال استاد به وخامت گرایید ایشان دستور دادند که با هواپیما شهریار را به تهران منتقل کنند... آیت‌الله خامنه‌ای دوبار به عیادت استاد تشریف آوردند... بعد از وفات آخرین سلطان شعر ایران، معظم‌له تا فرودگاه پیکر استاد را با احترامی فراموش ناشدنی بدرقه فرمودند.^۲

شهریار و رویدادهای انقلاب اسلامی

شهریار به جزیی ترین حوادث و رویدادهای انقلاب اشاره دارد. دیوان وی سرشار از تحلیل حوادث و رویدادهایی است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در کشور رخ می‌دهد. وقتی دانشجویان غیور و انقلابی، لانه جاسوسی امریکارا کشف می‌کنند، شهریار نیز همراه با مردم ابراز شادمانی می‌کند و ضمن اینکه دانشجویان فاتح را «اصحاب کهف انقلاب» می‌خواند فریاد بر می‌آورد که:

لانه جاسوسی^۳

یک جهان وسوسه در لانه جاسوسی کشف
 و چه دجال عجیبی که جهان‌خوار آمد
 گویی از خواب قرون باز هم اصحاب‌الکهف
 دیده شد بازش و با دولت بیدار آمد
 دور خودخواهی و خونخواهی اغیار گذشت
 نوبت یاری و غم‌خواری اغیار آمد
 وقتی حضرت امام (س) دستور تشکیل کمیته انقلاب اسلامی را صادر می‌کنند، شهریار شادمانی خود را در یک شعر بلند به نام «کمیته انقلاب اسلامی» ابراز می‌کند:

۱. بیوک نیک‌اندیش، همان، ص ۳۱۳.

۲. همان، ص ۳۱۴.

۳. محمدحسین شهریار، همان، ص ۴۷۸.





کمیته انقلاب اسلامی^۱

چه آفتابی است این کمیته انقلاب کافت هر مفسده است کوره این آفتاب
مبارزه با فساد و وظیفه هر کسی است کاین همه ایفا کند، کمیته انقلاب
کمیته می چرخد و نخاله های فساد سیوس خواهد شدن به چرخ این آسیاب
ریشه قاچاق را برآرد از بیخ و بن کمیته با تیشه ای ریشه کن و ریشه یاب
از این کمیته بسی بسیجی و پاسدار شهید گلگون کفن به خون خود شد خضاب
خطابه خوان شهریار از انقلاب و جهاد که خطبه هایش بود آیت فصل الخطاب

یکی از ویژگی های بارز شعرهای انقلابی شهریار، نگاه همه جانبه او به مسائل جاری در جامعه است که برای مردم حایز اهمیت است. از جمله این موارد مسئله منافقین است که در لباس انقلابیون و فادار شعار اسلام خواهی و عزت برای ایران سر می دادند، اما از پشت به انقلاب خنجر می زدند. شهریار در برهه ای از روزگار که هنوز چهره واقعی و نفاق انگیز آنها برای همه مردم مشخص نشده است، نقشه آنها را برملا می کند و در زبان کنایه، بنی صدر را که هنوز رئیس جمهور بود همپای منافقان می داند و می نویسد:

روی سپاه بنی صدر^۲

شعار دادن تنها دلیل ایمان نیست که بعضاً اسلحه دشمنان دوست نماست
منافقین همه اول شعار می دادند فتاده پرده و دیدی که شاهشان چه گداست
زبان و قلب یکی کن که رو سپید شوی و گرنه روی بنی صدرها همیشه سیاست
کنون که قائد اسلام نایب مهدی ست منافق است که چرخیده چهره اش به قفاست
در این جهاد نه تنها دعای ماست بلند بلند از همه کائنات دست دعاست

شهریار در همین شعر، فتنه منافقان را ناکام می خواند و در امیدواری به آینده انقلاب و پیوند آن با قیام حضرت صاحب الزمان (عج) می گوید:

سپاه امام زمان (عج)^۳

خدا حکومت دین وعده داده بود و کنون مسلم است که موعد رسید و عهد وفاست
شما عشیره سلمان فارسی هستید که با قیام شما حشر صالحان بریاست
سپاه مهدی صاحب زمان شما هستید شما که نعره تکبیرتان دم عیساست
چنانچه از پس ابر آفتاب می تابد ظهور مهدی دین هم همین حالاست
از دیگر عناصر زنده و تأثیر گذار بر شعر شهریار و از مؤلفه های اصلی شعر او تأکید بر

۱. همان، ص ۴۹۰.

۲. همان، ص ۴۷۸.

۳. همان.

حفظ وحدت و همدلی میان امت اسلامی است. شاعر ملی ایران، وحدت امت اسلام را چنین پاس می‌دارد:

وحدت مردم ایران^۱

هفته وحدت است و می‌باید
پیر ما آن فقیه عالی‌قدر
انقلابت نمی‌رسد به ثمر
باید امروز در مقابل کفر
آب وحدت اگر به سروستان
اختلاف تو شد حکومت کفر
چیست دانی کلید پیروزی؟
شهریار دروغ‌پردازی بنگاه‌های سخن‌پراکنی (رسانه‌های بیگانه) را بر نمی‌تابد و با هوشیاری، مردم را از این فتنه‌ها آگاه می‌کند و می‌نویسد:

اراجیف رادیوی بیگانه^۲

رادیوها پر از اخبار دروغ است و شلوغ
سامری‌ها که مبارز طلب‌اند از موسی
این شیاطین که نهان در دهن ماران‌اند
همه جا جنت ما دوزخ دل‌تنگ کنند
استاد در شعر دیگری با عنوان «جمعه خونین» به برائت‌کنندگان بی‌گناهی که در حرم امن کعبه به دست آل سعود به شهادت رسیدند، اشاره می‌کند و اقدام ناشایست سعودیان را لکه ننگ برای بشریت می‌خواند:

جمعه خونین

کعبه شستند به خون، تا همه خلق خدا
ز ایران حرم آیات برائت‌خوانان
پس از این صید غزالان حرم، آل سعود
کی توانند دگر تکیه به اورنگ کنند
این چنین فاجعه در وهم ننگ‌دهر گز
مگر این وهم به پای چیق و بنگ کنند
شهریار! خط اسلام به فرهنگ خداست
تا جوانان هدف از این خط و فرهنگ کنند
از دیگر تصاویر تحسین‌برانگیز شعر شهریار، سروده‌های انقلابی او در حمایت از انقلابیون فلسطینی و آزادسازی قدس شریف است که با قلمی ماهر ضمن تجلیل از

۱. همان، ص ۵۰۶.

۲. همان، ص ۴۹۵.



سربازان خمینی کبیر، می گوید:

فلسطین و حزب الله^۱

سرزمین قدس لبنان و فلسطین بارها قتل عام و خانه‌های خلق ویران کرده‌اند
رهبری قدسی کنون فرمانده کل قواست کش جهانی گوش جان و دل به فرمان کرده‌اند
آرزومند لقاءالله حزب‌اللاهیان جان و موجودی نثار پای جانان کرده‌اند
صادر است این انقلاب مادر آفاق جهان کز خدا گسترده خوان و خلق مهمان کرده‌اند

شهر یار و دفاع مقدس

از زیباترین و رساترین شعرهای شهر یار در دهه پایانی عمر، مربوط به رزمندگان و شهدای هشت سال جنگ تحمیل شده عراق بر ایران است. شاعر در شیواترین واژگان حوادث دوران جنگ را به تصویر کشیده است. به تعبیر رهبر فرزانه انقلاب:

تعداد شعرهایی که شهر یار برای جنگ گفته، حضوری که او در مراکز مربوط به جنگ مثل کنگره‌های شعر جنگ پیدا کرده و مدحی که او از بسیج عمومی یا از سپاه و یا از ارتش کرده، به قدری زیاد است که اگر انسان نمی‌دید و نمی‌شنید و خودش لمس نمی‌کرد، به دشواری می‌توانست این را باور کند که مردی در حدود هشتاد سال، در مجامع شعری حضور پیدا کند و برای هر مراسم، خودش شعری بلکه شعرهایی بگوید. در حالی که از مثل او چنین توقعی هم نبود. این نشان‌دهنده نهایت اخلاص، صفا و بزرگواری این مرد بود.^۲

شهر یار با خطاب قرار دادن رزمندگان اسلام، به آنها سلامی عاشقانه می‌دهد و آنها را صخره‌هایی صف کشیده در مقابل تانک‌های دشمنان می‌داند که با جنگجویان صدر اسلام هم‌طراز شده‌اند:

شهادت؛ معراج عشق^۳

سلام ای جنگجویان دلاور نهنگانی به خاک و خون شناور
سلام ای صخره‌های صف کشیده به پیش تانک‌های کوه‌پیکر
صف جنگ و جهاد صدر اسلام صف عمار یاسر، مالک اشتر
شهادت برترین معراج عشق است گهش پروازی از جبریل برتر

۱. همان، ص ۵۱۰.

۲. «شهر یار از نگاه رهبر»، همان، ص ۱۲.

۳. محمدحسین شهریار، همان، ص ۴۷۲.



ولی الله اعظم با شماهاست
 به قرآن وصف او (بنیان مرصوص)
 سلام ای کربلای خون هویزه
 هنیالک، که در یک طرفه العین
 سلام ای پیرمردان مجاهد
 نماز جمعه دشمن شکن را
 بی شک اگر کهولت و فرسودگی جسمانی شهریار نبود، او همپای جوانان رشید کشور
 در جهاد بزرگ الهی شرکت می کرد. استاد شهریار اگر چه نتوانست خود به میدان
 جهاد بشتابد، اما با جهاد قلمی، همواره جهادگران توفیق یافته را ستایش می کند و
 می نویسد:

جهاد در راه دین^۱

جهاد، دولت دنیا و عزت عقباست
 اگر جهاد نکردی نمی رسی به یقین
 خدا حکومت دین وعده داده بود و کنون
 در این جهاد نه تنها دعای ماست بلند
 جهاد کن که از پس جنگ با جهانخواران
 مقدر است که پیروز مند باز آیی
 با تأملی اندک در گزیده ابیات انقلابی شهریار، می توان به عمق وفاداری او به انقلاب
 اسلامی پی برد و قطرات اشکی را که در بدرقه کاروان جهاد از چشمانش جاری می شود
 دید:

قافله جبهه^۲

به فتح قله قدس و قصاص خونخواهی
 چو شمع صبحم و اشکی که چون ستاره صبح
 سهیل تافته بر کان گوهرم، لیکن
 بدین بلندی خرگاه جشن عاشق را
 صبور باش به کار جهاد و وقت شناس
 به راستی شهریار این ترک پارسی گوی ایران، غیرت و بلندهمتی را از کوه های سترگ

۱. همان، ص ۴۸۷.

۲. همان، ص ۵۰۵.





آذربایجان آموخته بود که با همه بدعهدی‌های روزگار، «نصف حقوق بازنشستگی خود را ماهیانه به جبهه‌ها تقدیم می‌کند و حتی آن قدر بلندطبع است که چک اهدایی ریاست جمهوری را نیز برای عشق به انقلاب و امام به نام جبهه‌ها پشت‌نویسی می‌کند تا علاوه بر قلم خود با مال و جان خویش نیز در صحنه انقلاب حاضر باشد.»^۱

از دیگر شعرهای تحسین برانگیز شهریار که باعث برانگیخته شدن شوق و اشتیاق جوانان وطن شده، شعرهایی است که او در رابطه با بسیج و بسیجی نوشته و در اکثر اوقات در رادیو و تلویزیون قرائت کرده که با استقبال عمومی مواجه گردیده است:

بسیج^۲

یا علی باز از خدادستی به همراه بسیج جاودان کن در جهان این جلوه و جاه بسیج
 یا علی خون حسینت کی رود از یادها گو ببیند زینب این غوغای خونخواه بسیج
 تا علمدارش گشاید بال شاهین علم می دهد فرمان حسینت کو بود شاه بسیج
 کور دل بودند اهل کوفه و بیعت شکن قوم سلمان است این قوم دل آگاه بسیج
 رهبر از نصر من الله داد فرمان جهاد تا رسد فتح قریب از نصرت الله بسیج
 این سفر با فتح پایان باز می گردد سپاه می دهد پایان به فتح گاه و بی گاه بسیج
 سر به در گاه خدا می ساید این جهد و جهاد شهریار! تا بسایبی سر به در گاه بسیج

شاید در نگاه اول، شعرهای انقلابی شهریار از نظر گاه مضمون و محتوا، همپای شعرهای انقلابی بسیاری از شاعران متعهد کشور باشد که برای خدمت به اسلام و آرمان‌های انقلاب نوشته شده است اما تفاوت اساسی اشعار شهریار با اشعار سایر شعرا در محبوبیت و مقبولیت ویژه این شاعر بزرگ در میان مردم ایران نهفته است؛ مردمی که همراهی استادی چون او را با انقلاب مایه خوشدلی و امیدواری می‌دانستند؛ کما اینکه رهبر فرزانه انقلاب در کنگره بزرگداشت شهریار به این وجهه مردمی شهریار اشاره می‌کنند و می‌گویند:

امروز شهریار در کشور ما یک چهره بسیار نورانی است. چند شب پیش تلویزیون به مناسبت هفته بسیج مراسمی را نشان می‌داد که شهریار در آن مراسم و در جمع بسیجیان شعر می‌خواند. من مطمئنم آن بخش از برنامه را هر کسی که متوجه شد تماشا کرد. من خود تصمیم داشتم بخوابم، ولی وقتی صدای شهریار را شنیدم بلند شدم رفتم و تماشا کردم، دیدم فرزندان من هم ایستاده‌اند و تماشا می‌کنند. این محبوبیت عجیبی که شهریار پیدا

۱. جمشید علیزاده، همان، ص ۱۳۲.

۲. محمدحسین شهریار، همان، ص ۵۱۵.

کرده است، به خاطر خدمات و کاری است که او برای خدا انجام داده است. شهریار قطعاً ماندنی است. او از آن دسته شعرايي است که در دوران های بعد معروف تر و بزرگ تر از دوران خود شده اند.^۱

شهریار از هر فرصت و هر واژه ای برای به تصویر کشیدن و بهره گرفتن از نعمت های انقلاب اسلامی استفاده کرده و بهترین سرود اسلام و انقلاب را تقدیم ملت ایران نموده است؛ سرودی که تا همیشه نمودار وفاداری شهریار به آرمان های انقلاب و خدمت به مردم مجاهد ایران است:

نه شرقی نه غربی...^۲

خدا این پرچم از ایران برافراشت	سپاه پرچم اسلام با ماست
شعار ما نه شرقی و نه غربی	مده دامان روحانیت از دست
که قرآنش کتاب آسمانی است	جهاندار آفرین قانونش اسلام
به دوش اوست تشریف نیابت	به دوش مرجع اعلا خمینی است
نوید مهدی موعود با اوست	همان فجری که موعود کتاب است

استاد شهریار این شاعر شگفت ادبیات ایران، در دهه پایانی عمر خویش که مقارن با پیروزی انقلاب اسلامی بود، عالی ترین مضامین انسانی و عرفانی را تقدیم انقلاب کرد و واژگان دیوانش را معطر از نام و یاد رشادت های انقلاب و امام نمود. او بحق در عرصه شهادت و جهاد، ستایش بسیج و جوانان رشید اسلام و ارتش، جانبازان و نماز شهیدان محراب، وحدت کلمه و عشق به رهبر و برپا شدن حکومت عدل حضرت مهدی (عج) و وفاداری به اسلام، قلم به میدان مبارزه چرخاند و به بهترین نحو پیروزمند قافیه های هنر شد. امروز اگر چه شهریار به خداوند پیوسته است، اما تکریم نام و یادش نه تنها در خاطر بزرگان و ادب پروران بلکه در یاد و جان همه مردمانی که زمزمه صدایشان به صلاي جهاد بنیانگذار انقلاب پاسخ مثبت دادند، مانده است. یاد شهریار در خاطر آن نورسانی که با تکرار مکرر اشعار انقلابی او، ایمان و امیدشان به این انقلاب بیشتر می شد و افتخار می کردند که همانند شهریار وفادار به آرمان های انقلاب هستند، جاودانه خواهد ماند. شهریار اگر چه خود شهره همه دل هاست، اما شایسته است زوایای پنهان مانده این شاعر پر بهای ایران را همه مردمان کشور مان به شایستگی بسنجند و به گرانسنگی این استاد برجسته پی ببرند، چرا که به اذعان ادیب عالی قدر انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای: «حضور

۱. گزیده بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با برگزار کنندگان کنگره بزرگداشت شهریار، ۱۳۷۱/۹/۱۱.

۲. محمدحسین شهریار، همان، ص ۵۲۷.





شهریار در هر کشوری و در میان هر ملتی حضور مبارک و مفیدی است.^۱ هر کس که یک بار سری به گلستان پربار این ترک پارسی گوی بی نظیر بزند، به راستی محور ایچه دلکش اشعار جاودانه او خواهد شد. به راستی که خداوند شهریار را می خواست که به او توفیق داد تا هنرش متعالی شود و از برکت انقلاب اسلامی ایران، اشعار انقلابی و آسمانی اش متبرک به تحسین برانگیزترین حس وطن دوستی و اسلام خواهی باشد.

۱. گزیده بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با برگزار کنندگان کنگره بزرگداشت شهریار، ۱۳۷۱/۹/۱۱.

دین کبکچہ، ناخبر، بھوان بگن بہتر
 بوسیلہ فتح سیرت حسن - دوہی (بانی خیر)
 محضہ فتح بیدام و اسلمین جہی سیرت آنا فائزہ
 ریاست جمہوریہ ہند، کرن و لہا چہ بہتر
 و سرور شد بہاہ ملی آرائی
 بحال فائزہ دریشا دسا لگی تھہ تم شود

بیرتہ - ۶۳/۲/۴
 سید محمد حسین شیرازی

بوسیلہ فہمہ تمام سیرت لیب شرف
 بیرتہ ۲

برآستان و دلا سیرت کہ - فائزہ بیرتہ جمہوریہ ہندی شرف
 دوام فتحہ ہر گورہ سیرت قدیم و توفیق روز بروز پائی دایم
 و روزنگان بسلام را سب و روز بروز سلطنت بنام و جہد سیرت
 بیرتہ - ۱۶/۱۱/۱۱۱۶/۱۱۱۶

بوسر آن دست کہ خود دست خدمت	بہتر آید کہ تہ حیدر بہا
کہ فہد اچوسہ از دو دست بہت	بہتر آن دست چہ از روی بوند
عہد از کوشش مجتہا دست اعات	در دامت بہ نماز جہد
دو حیاتی ہنر از سر تا پاست	من بنیان ہنرم بہ یک دل و بس
پیر نیویا و زبان گو پاست	دو شب و روز برابر سلام
با دہائی کہ وہ در اہر بہت	دو چہ از روی قوی و حکم
کو ننگ ایش بہ (حیدر بہا)	شہداء سرور فرزند بہتر

بیرتہ - روزنامہ ایچیچی ۱۶/۱۱/۱۱۱۶
 سید محمد حسین شیرازی (درستادہ دسائی)





ترک آذربایجان

(ترک اولادى غیرت و جنبه)

آذربایجان سلطان و لایکا بزی آذربایجان
آینا بنی گوئی . جنته ادرسا . اولسون
نور انباری ایران . ناپسان قران
شهر جادو آبخ جنت جادو آند

آی ادری آنا . سلطان قورین تک تارون
آذربایجان شهر سحر بر . تا پکی شاه اول
ترکوی غیرت ترکیده . قضا را گرک .
کره تا جمدی جدید اولور ویردن

دعا کون استغاثه رخ . گورنر و جنبه بیزه کفر
بیزه سوره قانیده کون اول برودوخ

کفر . گورنر جنبه جی بندک اسلم بگورن
کوباروب قانقاز . جیلو جوب دنه ی بیزه

کاهه این نوره تجرد . بسلا جنبه ی
نارس . ترک بیزه نانی امان سلطان دیر
هرکیم آقا مینه باش اگه ی . میوان تاه جاف

مختر مذکور . ریعت حمید برتر اوله سبلا اوله برسد . آذربایجان
بیزه - آذربایجان / ۶۵ / ۱۲۶ / ۶۵